



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال ششم / شماره بیست‌وسوم / پائیز ۱۳۹۶

بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محسن حمیدیان

استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران
hamidian_2002@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۰۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین ابعاد راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. داده‌های مورد استفاده، از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است که بین نسبت اعضاء غیر موظف هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد و نیز بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد سایر فرضیه‌های این پژوهش حاکی از آن است که بین نوسان پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیئت مدیره، سهام تحت تملک اعضاء هیئت مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنی دار و بین ریسک تجاری پایین، تفکیک مدیر عامل از اعضا و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده تلقی گردیده است.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، ابعاد داخلی راهبری شرکتی، ابعاد خارجی راهبری شرکتی.

۱- مقدمه

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تامین می‌شود. سهم از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است؛ بنابراین از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد، بنابراین به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است.

مالیات به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی و همچنین نقش فزاینده دولت‌ها در ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تامین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مساله‌های مهم و مؤثر تبدیل نموده است. در هر کشوری مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی دولت در اقتصاد، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که امروز در کشورهای صنعتی، بهبود و توسعه کارایی و اثربخشی اظهار مالیات مقامیان و مطالبه آن توسط کارشناسان امور مالیاتی، ضمن رعایت اصل عدالت مالیاتی، از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است. (پژویان، ۱۳۸۰)

لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ابعاد مختلف راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار می‌باشد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

رگو^۱ (۲۰۰۸) اجتناب از پرداخت مالیات را به‌عنوان استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به‌طور قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، تعریف کرده است. اجتناب از پرداخت‌های مالیات به‌طور کلی کاهش آشکار مالیات تعریف شده است (هانلون و هتزمان^۲، ۲۰۰۹). فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، مربوط می‌شود (دسای و دارماپالا^۳، ۲۰۰۹). بسیاری از پژوهش‌ها در پاسخ به این سؤال انجام شده است که چرا بعضی از شرکت‌ها بیش از بقیه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند؟ بعضی از محققان عوامل مختلفی را به‌عنوان محرک و منافع برای فعالیت‌های اجتناب از پرداخت، برای

پاسخ به سؤال موردنظر مطرح کرده‌اند. گوپتا و نیوبری^۴ (۱۹۹۷) بر ویژگی‌های شرکت مثل نوع صنعت، اندازه شرکت، عمر شرکت و غیره و دیگر پژوهش‌ها، انگیزه‌هایی مثل پاداش، ساختار مالکیت و نقد شوندگی را به‌عنوان عوامل محرک بر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات ذکر کرده‌اند. (گراهام و توکر^۵، ۲۰۰۶) از آنجایی که سپر مالیاتی شکلی از حمایت مالیاتی می‌باشد، شرکت‌هایی که سپر مالیاتی را به کار می‌برند، بدهی کمتری دارند و صرفه‌جویی جریان نقدی ناشی از سپر مالیاتی می‌تواند جانشینی برای میزان بدهی شرکت باشد (گراهام و توکر، ۲۰۰۶). به‌طور خلاصه ابعاد مختلف نقد شوندگی می‌تواند عامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد.

کوشش برای کاستن از بار مالیاتی در گذشته و حال امر رایجی بوده و افراد بسیاری هم زمان خود را مصروف یافتن راه‌های جهت نیل به این مقصود می‌نمایند. راه‌های مذکور را می‌توان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد. نخست، راه مبتنی بر قانون، بدین معنی که مؤدی تلاش می‌کند با استفاده از مواد قانون و مقرهای قانونی، مالیات کمتری را بپردازد بی‌آنکه از صورت ظاهر قانون عدول کند و یا به پنهان‌کاری و خلافکاری‌های نظیر آن مبادرت ورزد این شیوه‌های عمل را ترفند مالیاتی گویند. دومین روش از آن‌سانی است که با مبادرت به استتار یا تقلب یا دیگر اعمال خلاف قانون‌گریز از مالیات می‌کنند. اجتناب مالیاتی اعمال یک سری راه‌حل‌ها، ترتیبات قانونی توسط افراد و بنگاه‌هاست، که بر اساس آن میزان بدهی مالیاتی خود را به حداقل ممکن برسانند. اما منظور و هدف از فرار مالیاتی، نوعی ترتیبات غیرقانونی جهت حداقل کردن مالیات پرداختنی است. (توکل، ۱۳۸۵)

راهبری شرکتی یک موضوع چند رشته‌ای است و در هر رشته چارچوب نظری متناسب با آن زمینه مطرح شده است. هر یک از آن‌ها با استفاده از واژگان مختلف و به‌صورت متفاوت به موضوع راهبری شرکتی پرداخته‌اند که ناشی از زمینه‌های علمی خاصی است که به موضوع حاکمیت شرکتی می‌نگرند. به‌عنوان مثال، تئوری نمایندگی ناشی از زمینه‌های مالی و اقتصادی است، در صورتی که تئوری هزینه معاملات^۶ ناشی از تئوری‌های اقتصادی، حقوقی و سازمانی است و تئوری‌های ذی‌نفعان ناشی از یک دیدگاه اجتماعی در مورد موضوع حاکمیت شرکتی است. (حساس یگانه، ۱۳۸۴)

ترکیب سهامداران شرکت‌های مختلف متفاوت است. بخشی از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران جزء و اشخاص حقیقی قرار دارد. این گروه برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت عمدتاً به اطلاعات در دسترس عموم، همانند صورت‌های مالی منتشره اتکا می‌کنند. این در حالی است که بخش دیگری از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران حرفه‌ای عمده قرار دارد که بر خلاف گروه سهامداران نوع اول، اطلاعات داخلی با ارزش درباره چشم اندازه‌های آتی و راهبردهای تجاری و غیره شرکت از طریق ارتباط مستقیم با مدیران شرکت در اختیار ایشان قرار می‌گیرد. (نوروش و ابراهیمی، ۱۳۸۴)

آرمسترانگ^۷ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. آن‌ها دریافتند تأثیر راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی بیشتر در دو سر طیف یا به عبارتی دیگر دنباله‌های جدول آماری اجتناب مالیاتی وجود دارد. نکته قابل توجه و مهم این بود که این محققین رابطه مثبتی بین درصد اعضای غیر موظف و

همچنین، مهارت مالی و خبرگی هیأت مدیره در سر طیف بالای تابع اجتناب مالیاتی مشاهده کردند؛ ولی این رابطه را در سر طیف پایین یا به بیان دیگر، دنباله پایین تابع اجتناب مالیاتی مشاهده نمودند. همچنین، آن‌ها رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، چه در میانه و چه در میانگین تابع توزیع، مشاهده نمودند. آن‌ها استدلال کردند که راهبری شرکتی درصدد ایجاد توازن اجتناب مالیاتی است و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی خیلی بالا است، گرایش به کاهش آن دارد و در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی بسیار پایین است، نیز راهبری شرکتی درصدد افزایش اجتناب مالیاتی می‌باشد. در واقع، شاید به همین دلیل بود که در تحقیق آن‌ها رابطه معناداری مشاهده نگردید.

کرانا و موسر^۸ (۲۰۰۹) به این موضوع پرداختند که آیا مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات مؤثر است یا خیر. آن‌ها برای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات از نرخ مؤثر مالیات نقدی ۵ ساله و *BTD* دائمی سالانه طی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۸ استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی با سطح مالکیت نهادی بالاتر عموماً از پرداخت مالیات، بیشتر اجتناب می‌کنند.

چن و همکاران^۹ (۲۰۱۰) سطح اجتناب از مالیات شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را با یکدیگر مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خود از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند. منظور از شرکت‌های خانوادگی، شرکت‌هایی هستند که اعضای خانواده‌ی مؤسس شرکت، اعم از نسبی و سببی، در مقام مدیریت ارشد، هیئت‌مدیره یا سهامداران عمده و بلوکی به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

دسای و دارماپالا^{۱۰} (۲۰۰۷) پس از بررسی رابطه‌ی اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، به دیدگاه ارزش‌آفرینی برای فعالیت‌های اجتناب از مالیات رسیدند. آن‌ها با تشکیل نمونه‌ای از شرکت‌های بزرگ سهامی عام آمریکایی، اثر اجتناب از مالیات بر منافع سهامداران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میانگین اثر اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت تفاوت اساسی با صفر ندارد اما برای شرکت‌هایی که ساختار حاکمیتی قوی (نظیر مالکیت نهادی بالاتر) دارند، رابطه‌ی مثبت میان اجتناب از مالیات و ارزش شرکت وجود دارد. یافته‌ی آن‌ها دلالت بر این دارد که در محیطی که نظارت و کنترل به‌طور مؤثر تلاش‌های فرصت‌طلبانه‌ی مدیریت را از طریق استفاده از فعالیت‌های اجتناب از مالیات محدود می‌کند، اجتناب از مالیات سود خالص به همراه دارد.

ایندرخورانا و موسر^{۱۱} (۲۰۰۹) در بررسی رابطه‌ی اجتناب مالیاتی با سهامداران نهادی نشان دادند که مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر معناداری دارد. در شرکت‌هایی که افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت باشد پنهان‌کاری مالیاتی بیشتر است. چون می‌خواهند در کوتاه‌مدت مالیات بیشتری ذخیره شود تا سود و ارزش سهام خود را افزایش دهند. اما اگر افق سرمایه‌گذاری بلندمدت باشد، شدت رابطه‌ی مالکیت نهادی با پوشش مالیاتی تعدیل می‌گردد.

سارتوری^{۱۱} (۲۰۰۸) نشان داد که واکنش بین حاکمیت شرکتی و مالیات به‌صورت متقابل بوده، در حقیقت از یک‌سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آن‌ها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. وی به این نتیجه رسید که می‌توان از قوانین

مالیاتی جهت بهتر فهمیدن قواعد حاکمیت شرکتی بهره برد. هم‌چنین از قواعد حاکمیت شرکتی نیز می‌توانیم در جهت تفهیم تدابیر مالیاتی استفاده کنیم.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره؛ و اجتناب مالیاتی پرداختند. برای این منظور ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی ۱۲۲۷ سال شرکت به صورت الگوی پنل نامتوازن؛ مبین آن است که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید.

دیدار و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی پرداختند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی، مالکیت دولتی، حسابرسی داخلی، اظهار نظر حسابرس، تغییر حسابرس و معامله با اشخاص وابسته با شکاف مالیاتی انجام گرفته است. همچنین برای نتیجه‌گیری بهتر، دو متغیر کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی نیز وارد مدل پژوهش شده است. برای این منظور، ۱۱۰ شرکت نمونه برای یک دوره شش ساله در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیونی چندمتغیره بر اساس داده‌های تلفیقی انجام گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه متغیرهای استقلال هیئت مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهار نظر حسابرس، تغییر حسابرس و اهرم مالی با شکاف مالیاتی، منفی است و متغیرهای حسابرسی داخلی و اندازه شرکت رابطه مثبتی با شکاف مالیاتی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی و معامله با اشخاص وابسته، رابطه معناداری با شکاف مالیاتی ندارند.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفت. آنها با در نظر گرفتن ۳۸ شرکت به عنوان نمونه به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که فاقد معیارهای مزبور هستند، وجود ندارد. این در حالی بود که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنی‌دار بوده است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است، که با استفاده از داده‌های ثانویه مستخرج از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه همبستگی می‌پردازد. انجام این پژوهش در چهارچوب استدلال قیاسی- استقرایی صورت گرفته است. و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

در این پژوهش برای گردآوری ادبیات پژوهش و مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شد، به طوری که اطلاعات مربوط به ادبیات پژوهش و مبانی نظری از کتابخانه‌ها و مقالات داخلی و خارجی به روش فیش برداری استخراج شد. برای گردآوری داده‌های پژوهش نیز از بانک اطلاعاتی تدبیرپرداز، ره آورد نوین، بانک اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ می‌باشد. در این مطالعه برای اینکه نمونه پژوهش یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، برای انتخاب نمونه از روش غربال‌گری^{۱۲} (حذفی) استفاده شده است. برای این منظور معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به‌عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب شده است. در این پژوهش به تعیین نمونه براساس معیارهای زیر اقدام شده است:

- (۱) قبل از سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند؛
- (۲) سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفندماه هر سال باشد؛
- (۳) شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند؛
- (۴) شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند؛
- (۵) اطلاعات و داده‌های آن‌ها در دسترس باشد؛ و
- (۶) معاملات سهام شرکت به‌طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یادشده اتفاق نیفتاده باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۳۶ شرکت به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است.

۴- مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش بر مبنای مدل زیر تأثیر ابعاد مختلف راهبردی شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵)

$$GETR = \beta_0 + \beta_1 \Delta \% ROA + \beta_2 \Delta \% ROA \cdot D_1 + \beta_3 \Delta \% ROA \cdot (1 - D_1) + \beta_4 \% OMBS + \beta_5 \% STCA + \beta_6 BOBO + \beta_7 \Delta \% ROA \cdot D_2 + \beta_8 \Delta \% ROA \cdot (1 - D_2) + \beta_9 SOIC + \beta_{10} \% FRFL + \beta_{11} \% POIN + \beta_{12} SIZE + \beta_{13} M/B \quad (1)$$

$\Delta \% ROA$: نوسان پذیری بازده

OMBS: اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره

STCA: سهام هیئت دولت

BOBO: پاداش هیئت‌مدیره

SOIC: مالکیت و نفوذ دولت در شرکت‌ها

FRFL: سهام شناور آزاد

POIN: مالکیت سهامداران نهادی

Size: لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

M/B: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

اجتناب مالیاتی

در این پژوهش برای محاسبه اجتناب مالیاتی از فرمول هانلون و هیتزمن، (۲۰۱۰) استفاده می‌کنیم.

(۲)

$$GETR_{it} = \frac{TXT_{it}}{PI_{it}}$$

GETR: نرخ مالیات مؤثر بر اساس اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری

Txt: کل هزینه مالیاتی شرکت i برای دوره زمانی t

Pi: درآمد قبل مالیات شرکت i برای دوره زمانی t

نوسان پذیری بازده

نوسان پذیری بازده عبارت است از مابه‌التفاوت کل دارایی‌ها و دارایی‌های ابتدای دوره تقسیم بر دارایی‌های ابتدای دوره

سازوکارهای داخلی راهبری شرکتی

الف) اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره

اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارد. در نتیجه ترکیب هیئت‌مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار باشد. این متغیر از طریق تقسیم اعضای غیرموظف به کل اعضا به دست می‌آید.

ب) پاداش هیئت‌مدیره

پاداش مصوب مجمع عمومی سالیانه که از صورت‌حساب سود و زیان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از طریق تقسیم پاداش هیئت‌مدیره به کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

ج) تفکیک مدیرعامل از اعضا

این تغییر نسبی در واقع بیان می‌دارد که در شرکت موردبررسی شخص مدیرعامل از اعضای هیئت‌مدیره جداست یا خیر. به عبارت دیگر آیا مدیرعامل شخصی غیر از اعضای هیئت‌مدیره است یا اینکه یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌طور همزمان مسئولیت مدیرعاملی شرکت را نیز برعهده گرفته است. برای نشان دادن این موضوع از متغیرهای مجازی (صفر و یک) استفاده می‌شود.

د) سهام هیئت دولت

دمساز و لن^{۱۳} (۱۹۸۵) به‌طور تجربی نشان دادند که دارندگان سهام بیشتر انگیزه بالاتری را برای تحمل هزینه‌های نظارتی بر مدیریت در مقایسه با مالکیت‌های پراکنده دارند. این متغیر از طریق تقسیم سهام هیئت دولت به کل سهام به دست می‌آید.

سازوکارهای خارجی راهبری شرکتی

الف) درصد سهام شناور آزاد

در بورس اوراق بهادار شرکت‌ها تعریف دقیق، مشخص و یکسانی از سهام شناور آزاد و چگونگی محاسبه آن ارائه نشده است. اما مسئولان بورس‌های مختلف، آن بخش از سهام هر شرکتی را سهام شناور آزاد می‌دانند که احتمال بیشتری برای حضور در فرآیند معاملات داشته باشد چون در واقع عرضه و تقاضای این بخش از سهام است که قیمت سهام شرکت را تعیین کرده و قابلیت نقد شوندگی سهام را نشان می‌دهد. این متغیر از طریق تقسیم سهام شناور آزاد به کل سرمایه سهام به دست می‌آید.

ب) درصد مالکیت سهامدار نهادی

سرمایه‌گذاران نهادی مطابق با تعریف بوش^{۱۴} سهامداران نهادی در واقع سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند. درصد مالکیت سهامداران نهادی از طریق تقسیم سهام سهامداران نهادی به کل سهام به دست می‌آید.

د) مالکیت و نفوذ دولت در شرکت‌ها

این متغیر از طریق تقسیم سهام دولت و نهادهای دولتی به کل سهام به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت

اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری جمع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. بخشی از کل ریسک شرکت که مربوط به ترکیب دارایی‌ها و تصمیمات عملیاتی است ریسک تجاری نامیده می‌شود اغلب ریسک تجاری را برحسب تغییرپذیری سود عملیاتی بیان می‌کنند هر قدر درجه اهرم عملیاتی بزرگ‌تر باشد ریسک تجاری بزرگ‌تر می‌شود و از طریق تقسیم بدهی‌های بلندمدت شرکت به کل دارایی‌های ابتدای دوره شرکت تعیین می‌شود.

ارزش بازار به ارزش دفتری

از طریق تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید.

۵- فرضیه‌های پژوهش

در پژوهش حاضر فرضیه‌ها به شرح زیر تدوین یافته‌اند:

- فرضیه ۱:** بین نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه ۲:** بین نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی آن‌ها در شرکت‌ها با ریسک تجاری بالا با این رابطه در شرکت‌ها با ریسک تجاری پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه ۳:** بین سازوکارهای داخلی راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه ۱-۳:** بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به اعضای موظف هیئت‌مدیره شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲-۳:** بین سهام تحت تملک اعضای هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳-۳:** بین میزان پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳-۴:** بین تفکیک مدیرعامل شرکت از اعضای هیئت‌مدیره شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۴:** بین سازوکارهای خارجی راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۱-۴:** بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲-۴:** بین درصد سهام شناور آزاد و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳-۴:** بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

۶- یافته‌های پژوهش

در جدول (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر مالکیت نهادی (GETR) برابر با 0.103134 می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانه متغیر GETR برابر با 0.099789 می‌باشد که نشان‌دهنده این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیر GETR برابر با 0.088063 است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
GETR	۱۲۲۴	0.103134	0.099789	0.675169	-0.029159	0.088063
Δ ROA	۱۲۲۴	0.189765	0.131237	10.42235	-0.853115	0.398937
OMBS	۱۲۲۴	0.650778	0.600000	0.80000	0.000000	0.199278
STCA	۱۲۲۴	22.34444	23.62000	33.15000	2.990000	6.645171
BOBO	۱۲۲۴	0.104878	0.008642	15.95396	2.79E-06	0.811190
INDCH	۱۲۲۴	0.120098	0.000000	1.000000	0.000000	0.325209
SOIC	۱۲۲۴	44.39666	49.70000	99.45000	0.000000	33.12936
FRFL	۱۲۲۴	21.39556	19.22000	90.00000	0.040000	14.51814
POIN	۱۲۲۴	56.71115	57.43500	88.78000	21.35000	14.52803
SIZE	۱۲۲۴	13.00437	12.92494	18.45324	9.254357	1.501349
M/B	۱۲۲۴	2.570564	1.779243	124.9500	-15.71429	4.736638

GETR: معیار اجتناب مالیاتی؛ Δ ROA: نوسان پذیری بازده؛ OMBS: اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره؛ STCA: سهام هیئت دولت؛ BOBO: پاداش هیئت‌مدیره؛ INDCH: تفکیک مدیرعامل از اعضاء؛ SOIC: مالکیت و نفوذ دولت در شرکت‌ها؛ FRFL: سهام شناور آزاد؛ POIN: مالکیت سهامداران؛ SIZE: لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام؛ M/B: نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از نتایج تخمین مدل ارائه‌شده در جدول (۲) بهره گرفته‌شده است. مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین واتسون 1.966 می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد، تقریباً 47٪ تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

آزمون فرضیه اصلی اول

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر Δ ROA، 0.007567 بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت نوسان. پذیری بازده سهام شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر Δ ROA معنی‌دار می‌باشد و با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه اصلی اول پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

جدول (۲): نتایج تخمین مدل پژوهش

$$GETR = \beta_0 + \beta_1 \Delta ROA + \beta_2 ROA * D_1 + \beta_3 OMBS + \beta_8 STCA + \beta_9 BOBO + \beta_{10} INDCH + \beta_9 ROA * D_2 + \beta_9 SOIC + \beta_9 FRFL + \beta_9 POIN + \beta_9 SIZE + \beta_9 M/B + \varepsilon.$$

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
C	0.198418	0.197531	1.004490	0.3154
ΔROA	0.007567	0.008362	2.904865	0.0027
$\Delta ROA * D_1$	-0.008842	0.010599	-2.834248	0.0043
OMBS	0.022957	0.012463	1.842058	0.0657
STCA	0.001349	0.000413	3.267852	0.0011
BOBO	0.003440	0.004857	2.708281	0.0089
INDCH	-0.020080	0.008031	-2.500194	0.0126
$\Delta ROA * D_2$	0.015053	0.010594	2.720935	56.00
SOIC	-0.000105	0.000111	-0.947454	0.3436
FRFL	0.000326	0.000138	2.366061	0.0182
POIN	-0.000515	0.000203	-2.542859	0.0111
SIZE	-0.004034	0.014027	-0.287605	0.7737
M/B	-0.000217	0.000384	-0.564727	0.5724
ضریب تعیین	0.469			
ضریب تعیین تعدیل شده	0.396			
دوربین-واسون	1.966			
آماره F	6.4631			
احتمال (آماره F)	0.0000			

آزمون فرضیه اصلی دوم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر $\Delta ROA * D_1$ و $\Delta ROA * D_2$ ، به ترتیب -0.008842 و 0.015053 بوده که نشان‌دهنده این است که در شرکت‌های دارای ریسک پایین نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی دارد در حالی که، در شرکت‌های دارای ریسک بالا نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارد که با توجه به آماره t ضریب متغیر $\Delta ROA * D_1$ و $\Delta ROA * D_2$ معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه اصلی دوم پژوهش را تأیید شده تلقی نمود که با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه اصلی سوم

به‌منظور آزمون این فرضیه، چهار فرضیه فرعی تدوین گردیده است که نتایج آزمون این فرضیات به شرح زیر ارائه می‌گردد:

آزمون فرضیه فرعی اول

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر OMBS ، 0.022957 بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت اعضاء غیرموظف هیئت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی می‌باشد ولی با توجه به آماره t ضریب متغیر OMBS معنی‌دار نمی‌باشد، با توجه به موارد فوق نمی‌توان فرضیه اصلی دوم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه فرعی دوم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر STCA ، 0.001349 بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت سهام تحت تملک اعضاء هیئت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر STCA معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی دوم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه فرعی سوم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر BOBO ، 0.003440 بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت پاداش هیئت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر BOBO معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی سوم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود. که با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه فرعی چهارم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر INDCH ، -0.020080 بوده که نشان‌دهنده تأثیر منفی تفکیک مدیرعامل شرکت از اعضاء هیئت‌مدیره شرکت بر اجتناب مالیاتی می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر INDCH معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی چهارم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که با نتایج پژوهش دیدار و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه اصلی چهارم

به‌منظور آزمون این فرضیه، سه فرضیه فرعی تدوین گردیده است که نتایج آزمون این فرضیات به شرح زیر ارائه می‌گردد.

آزمون فرضیه فرعی پنجم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر SOIC ، -0.000105 بوده که نشان‌دهنده تأثیر منفی میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت بر اجتناب مالیاتی می‌باشد ولی با توجه به آماره t ضریب متغیر SOIC

معنی‌دار نمی‌باشد، با توجه به موارد فوق نمی‌توان فرضیه فرعی پنجم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که با نتایج پژوهش کرانا و موسر (۲۰۰۹) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه فرعی ششم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر FRFL ، 0.000326 بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت درصد سهام شناور آزاد بر اجتناب مالیاتی می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر FRFL معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی ششم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که نتایج پژوهش دیدار و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه فرعی هفتم

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر POIN ، -0.000515 بوده که نشان‌دهنده تأثیر منفی درصد مالکیت سهامداران نهادی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر POIN معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی هفتم پژوهش را تأییدشده تلقی نمود که نتایج پژوهش دیدار و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر این است که بین نسبت اعضاء غیر موظف هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد و نیز بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. سایر فرضیه‌های این پژوهش حاکی از آن است که بین نوسان پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیئت مدیره، سهام تحت تملک اعضای هیئت مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنی‌دار و بین ریسک تجاری پایین، تفکیک مدیر عامل از اعضا و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده تلقی گردیده است. پژوهش حاضر امکان ارائه پیشنهادهایی به شرح زیر را داده است:

(۱) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی اول پژوهش (بین نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.) سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان امور مالیاتی می‌تواند از تأثیری که بازده سهام بر اجتناب مالیاتی می‌گذارد درک عمیقی داشته و جهت جلوگیری از اجتناب مالیاتی برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.

(۲) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی دوم پژوهش (بین نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی آن‌ها در شرکت‌ها با ریسک تجاری بالا با این رابطه در شرکت‌ها با ریسک تجاری پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد.) سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان امور مالیاتی می‌تواند از تأثیری که بازده سهام

- بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های که دارای ریسک بالا یا پایینی دارند درک عمیقی داشته و جهت جلوگیری از اجتناب مالیاتی برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.
- (۳) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی سوم پژوهش (بین سازوکارهای داخلی راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد)، سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان امور مالیاتی می‌تواند از تأثیری که سازوکارهای داخلی حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی دارد درک عمیقی داشته و جهت جلوگیری از اجتناب مالیاتی برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.
- (۴) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی چهارم پژوهش (بین نسبت اعضاء غیرموظف هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد)، سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان امور مالیاتی می‌تواند از تأثیری که نسبت اعضاء غیرموظف هیئت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی دارد درک عمیقی داشته و جهت جلوگیری از اجتناب مالیاتی برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.
- پیشنهادات آتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:
- (۱) با توجه به اینکه شرکت‌های با فعالیت واسطه‌گری مالی از نمونه پژوهش حذف شده بودند، پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در ارتباط با رابطه ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در این نوع شرکت‌ها انجام گرفته و نتایج آن با یافته‌های تحقیق حاضر مقایسه گردد.
- (۲) پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در رابطه با مطالعه تأثیر سازوکار خارجی و داخلی حاکمیت شرکتی با فرار مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت پذیرد.
- (۳) پیشنهاد می‌گردد پژوهشی در رابطه با مطالعه تأثیر سازوکار خارجی و داخلی حاکمیت شرکتی با پیچیدگی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت پذیرد.

فهرست منابع

- * باباجانی، جعفر و عبدی، مجید، (۱۳۸۹)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۸، ص ۶۵-۸۶
- * پژوهان، جمشید، (۱۳۸۰)، بررسی تبعات اقتصادی مالیات بر ارزش افزوده در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی تابستان، شماره (۱۱ پیاپی)، ص ۲۵-۳۴
- * توکل، محمد، (۱۳۸۵)، مالیات و اقتصاد زیرزمینی، فصلنامه مالیات- شماره ۴۱، ص ۴-۹
- * حساس یگانه یحیی، (۱۳۸۴)، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، مجله حسابدار شماره ۱۶۸، ص ۱۰-۱۳
- * دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا و کفعمی، مهدی، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، ص ۴۰۹-۴۳۰
- * مشایخی، بیبا و سیدی، سید جلال، (۱۳۹۴)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۰، ص ۸۳-۱۰۳

- * نوروش، ایرج و ابراهیمی کردلر، علی، (۱۳۸۴)، بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۸، ص ۱۷-۸۴
- * Armstrong, C., Blouin, J., Jagolinzer, A., Larcker, D. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1), 1 – 17
- * Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & shevlin, T. (2010). Are Family Firms more Tax Aggressive than Nonfamily? *Journal of Financial Economics*, 95.
- * Demsetz, H., Lehn, K. (1985). The structure of corporate ownership: causes and consequences. *Journal of Political Economy* 93, 1155–1177.
- * Desai, M. A., and D. Dharmapala. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value", the *Review of Economics and Statistics*, PP.91.
- * Desai, M., Dharmapala, D., Fung, W. (2007). "Taxation and the evolution of aggregate corporate ownership concentration. In: Auerbach, A., Hines, J., Slemrod, J. (Eds.), *Taxing Corporate Income in the 21st Century*" Cambridge University Press, New York, 345–383
- * Graham, J., Tucker, A. (2006). "Tax shelters and corporate debt policy" *Journal of Financial Economics*, 81: 563–594.
- * Gupta, S., and K. Newberry. (1997). "Determinants of the variability in corporate effective tax rates: Evidence from longitudinal study". *Journal of Accounting and Public Policy*, 16 (1): 1–34.
- * Hanlon, M., and S. Heitzman, A review of tax research, 2009 Working Paper.
- * Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics* 50, 127-178.
- * Khuruna and Muser w, institutional ownership and tax aggressiveness. (2009). working paper. University of Missouri at Columbia. www.ssrn.com
- * Rego, S.O. and R. Wilson, executive Compensation, Tax Reporting aggressiveness, and future Firm Performance. (2008). working Paper. University of Iowa. [Online]. www.ssrn.com
- * Sartori, Nicola. (2008). Effects of strategic tax behaviors on corporate governance. September 1, university of Michigan

یادداشت‌ها

- ¹. Rego
- ². Hanlon and Heitzman
- ³. Desai and Dharmapala
- ⁴. Gupta and Newberry
- ⁵. Graham and Tucker
- ⁶. Transaction Cost Theory
- ⁷. Armstrong
- ⁸. Khuruna and Muser
- ⁹. Chen
- ¹⁰. Khuruna and Muser
- ¹¹. Sartori
- ¹². Criteria-Filtering Technique
- ¹³. Demsetz and Lehn
- ¹⁴. Bushee